

تبیین حیات شهداء در عالم برزخ از منظر آیات و روایات

الماس اسلامی^۱ و سیده فاطمه حسینی میرصفی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲

چکیده: شهادت و مرگ پایان حیات انسان نیست، انتقال از حیاتی به حیات دیگر و ورود به عالم جدیدی است که عالی تر و گسترده تر از عالم مادی به نام عالم برزخ می باشد؛ حیات برزخی یا جهان پس از مرگ و مراحل مختلف آن از مهمترین آموزه های دینی است. عدم اطلاعات یکسان از کیفیت حیات برزخی، منشأ اختلاف بین اندیشمندان اسلام شده است. آنچه واضح است این است که بدون راهنمایی وحی مسائل آن برای انسان غیرقابل دسترسی است و بهترین منبع برای شناسایی و کشف ابعاد و زوایای آن قرآن و روایات است. این پژوهش از نوع کاربردی، و با بهره گیری از فرایند تحقیق کتابخانه ای از منابع اسلامی داده ها را گردآوری و با روش کیفی توصیفی - تحلیلی به تجزیه و تحلیل پرداخته است. هدف این پژوهش «تبیین حیات شهداء در عالم برزخ در آیات و روایات» است. یافته های تحقیق نشان می دهد آنچه قطعیت دارد این است که مراد از حیات شهدا زنده بودن جسمی شهداء نیست، جسم آنها مانند جسم دیگران متلاشی و از بین می رود. با بررسی آیات و روایات این نتیجه به دست آمد که منظور از حیات شهید، حیات برزخی است که ارواح در عالم برزخ نزد خدا زنده اند و روحشان از نعمت هایی که خداوند روزی آنان کرده بهره مند می شوند، و آرامش و سروری به آنان دست می دهد.

واژگان اصلی: شهید، شهادت، آیات، برزخ، حیات برزخی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
almas52@chmail.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
mirsafy@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

مرگ و شهادت انسان پایان حیاتش نیست بلکه انتقال از حیاتی به حیات دیگر است. انسان با مرگ وارد عالم جدیدی که عالی تر و گسترده تر از عالم مادی به نام عالم برزخ می شود؛ حیات برزخی یا جهان پس از مرگ و مراحل مختلف آن از مهمترین آموزه های دینی است. عدم اطلاعات یکسان از کیفیت حیات برزخی، منشأ اختلاف مسائل مرتبط به برزخ از قبیل ارواح در عالم پس از مرگ و یا داشتن حیات جسمانی و مادی، استعانت از ارواح اولیای الهی و توسل به آنها بعد از وفاتشان بین اندیشمندان اسلام شده است. آنچه واضح است این است که بدون راهنمایی وحی مسائل آن برای انسان غیرقابل دسترسی است و اندیشه انسان به بسیاری از مسائل آن راه ندارد. از این رو حیات پس از مرگ از مشکل ترین مسائل بشری در طول تاریخ است و بشر از دیرزمان تلاش کرده تا سرنوشت پس از مرگ خویش را دریابد و پاسخی روشن به حس کنجکاو خود از فرجام کار جهان بدهد و همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا با مرگ شعله زندگی انسان برای همیشه خاموش می شود و یا با مرگ حیات دیگری که باشکوه تر از حیات دنیوی است، آغاز می گردد؟

در جهان بینی اسلامی، مرگ با اصل معاد پیوندی ناگسستنی دارد و آن چه این پیوند را مستحکم می کند بقای روح پس از مرگ است. ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی که در اصل معاد متجلی می گردد پس از توحید مهمترین اصلی است که از سوی پیامبران الهی مورد تأکید قرار گرفته و شرط مسلمانی محسوب می شود. «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكُمْ إِلَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...». او که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما کار بهتری انجام می دهید و اوست عزتمند و آمرزنده (ملک: ۲). مرگ به معنای فنا و نابودی نیست، بلکه امری وجودی است که آفریده شده و آن انتقال از این دنیا به دنیای دیگر است. «خَلَقَ الْمَوْتَ» آفرینش مرگ، آزمایشی برای ظهور صبر، و آفرینش حیات، آزمایشی برای ظهور شکر است. «خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكُمْ» آفریده ها همه هدفمندند و هیچ چیز، عبث آفریده نشده است و خداوند انسان را برای تکامل انتخابی آفریده است. «لِيُبْلِغَكُمْ» (قرآنی، ۱۳۸۳: ج ۱۰: ۱۴۸) از تعلیم قرآن برمی آید که مرگ به معنای عدم حیات نیست، بلکه به معنای انتقال است. امری است وجودی که مانند حیات خلقت پذیر است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹: ۵۸۵)

جهان پس از مرگ که در دو مرحله برزخ و قیامت صورت می‌گیرد وقوعش حتمی و قطعی است و برای شهیدان در زمینه زندگی پس از مرگ و مراتب ملکوتی، پرونده ویژه‌ای باز است و حیات خاصی به آنان عطا می‌شود که فوق حیات دیگر مؤمنان در جهان پس از مرگ است و این حیات در قدرت جذب الطاف و عنایات خدا و رحمت و مغفرت حضرت محبوب در حدی از کمال است که گوئی مرگ طبیعی گریبان آنان را نگرفته، بلکه زنده اند و کیفیت حیات عالی آنان به گونه ای است که برای ما قابل درک نیست. (زمخشری، ۱۹۹۸: ج ۴: ۴۱۹).

هویت شهادت با مرگ‌های دیگر تفاوت بنیادی دارد، کشته شدن در راه خدا، ساده‌ترین و کامل‌ترین تعریف قابل درک از شهادت است. شهادت به معنای فنا و نابودی و مرگ نیست، بلکه سعادت و زندگی جاویدان و افتخار ابدی در پی دارد. شهدا از همه چیز خود برای رضایت و خشنودی او گذشته و در مقام آستانه‌ی شهود، پیکر جسمانی را کنار نهاده‌اند و بی‌پروا و عاشقانه به سوی او پرواز کرده‌اند، خداوند نیز وعده‌ای «عند ربه‌م یرزقون» را تنها به آنان داده است. وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه مفسران فریقین نیاز به بررسی و دقت نظر است تا علل این اختلاف و ادله متمسک به آن مشخص گردد. که حیات شهید بعد از شهادت در عالم برزخ چه نوع حیاتی و چگونه است؟ آیا شهید در حیات برزخ دارای بدن مثالی است و یا اینکه مثل بدن دنیائی است و اینکه آیا دارای رشد مادی و معنوی هست یا خیر؟ و...

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت: بازشناسی دیدگاه اسلام و آموزه‌های دینی در مورد حیات شهید در جهت حفظ، اعتلاء و انتقال ارزش‌ها و باورهای مطلوب اجتماعی مانند تلاش، ایثار و از خودگذشتگی.

ضرورت: شناخت اندیشه‌ها و بن‌مایه‌های فکری مرتبط با مقوله شهادت که نشئت گرفته از مفاهیم اصیل قرآنی است؛ مانع از انحراف و بدعت‌های احتمالی حاکم بر مفهوم شهادت خواهد شد.

هدف تحقیق:

هدف این پژوهش «تبیین حیات شهداء در عالم برزخ از دیدگاه آیات و روایات» است

سوالات تحقیق

سوال اصلی: حیات شهداء در عالم برزخ از منظر آیات و روایات چگونه است؟

سوالات فرعی:

- ۱- منظور از حیات برزخی در قرآن چه نوع حیاتی است؟
- ۲- حیات برزخی شهداء چه نوع حیاتی است؟ حیات حقیقی است یا باقی ماندن نام نیک و جاودان آنها در میان جامعه است؟
- ۳- آیا منظور از حیات برزخی شهید، زندگی جسمانی و مادی است؟ یا حیات ارواح در عالم پس از مرگ است؟

مبانی نظری تحقیق

پیشینه‌شناسی

- پژوهشی‌های که با این تحقیق مرتبط و قابل استفاده در تبیین مسئله دارد به شرح زیر می‌باشد:
- ۱- طاووسی، حسن و فاطمه عین‌الکمالی (۱۳۹۵) شهید و شهادت از منظر قرآن: محقق با بررسی ده آیه از قرآن کریم در خصوص مسایلی چون: زنده بودن، رزق، آمرزش گناهان، ضایع نشدن عمل، مسرت و خوشحالی، وارد شدن در رحمت الهی و رستگاری شهید مورد بحث قرار داده است.
 - ۲- شمسایی، انور حاجی (۱۳۹۱) حیات شهید با تاکید بر قرآن و سنت: محقق به حیات دنیوی و ویژگی‌های بارز شهید قبل از شهادت در دنیا پرداخته است تا معلوم شود شهید چگونه در دنیا زندگی کرده است که در برزخ و قیامت ان چنان حیات والایی را از آن خود نموده است. در بخشی دیگر به چگونگی حیات شهید پس از شهادت پرداخته است.
 - ۳- مظفری، مونس (۱۳۷۹) سیمای شهید در قرآن و حدیث: نویسنده ضمن معنای لغوی و اصطلاحی شهید و شهادت؛ در فصلی از پژوهش حیات شهداء در قرآن و روایات رامورد بررسی قرار داده است.
 - ۴- موسایی سی‌سخت، میثم (۱۳۷۲) شهید و شهادت در قرآن: محقق درخصوص موضوع شهادت به معنای مقتول در راه خدا در قرآن کریم پرداخته و به صراحت از زنده بودن شهید، روزی خواری او در پیشگاه خداوند و آمرزش گناهان او و امور دیگر سخن می‌گوید. در این پایان نامه ضمن بحث درباره این آیات، مباحثی چون تعریف حیات از دیدگاه‌های مختلف و نقد آنها و بررسی حیات شهید بر اساس نظرات گوناگون مطرح شده است.

تعریف مفاهیم تحقیق

شهید^۱

«شهید» صفت مشبیه از ریشه شهد و مصدر شهادت است که بردوام و ثبات دلالت دارد؛ (زمخشری، ۱۹۹۸: ۲۴۲) به معنی دیدن و نظاره کردن و گواه بودن است، و اصطلاحاً، به معنی «حضور و مشاهده با بصر (چشم سر) یا بصیرت (چشم سر)» است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۴۶۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳: ۲۲۱). کسی که می بیند و چیزی از چشمان او پنهان نیست. (ابن منظور، ۱۹۹۴: ج ۳: ۲۳۸).

شهادت^۲

شهادت به معنای حضور و معاینه (ابن منظور، ۱۴۱۴: شهید؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۷۴) اعلام و حضور (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۲۸)، خبر قاطع (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۹) و اخبار از روی علم و یقین (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۵) گفته اند. شهادت ایستادگی آگاهانه و مقاومت هوشیارانه ... فدا کردن آگاهانه تمام هستی خود در راه هدف مقدس است. (مطهری، ۱۳۷۴: ۸۳-۸۵)

حیات

حیات از ریشه «حی» در مقابل «میت» به معنای زیست و زندگی است. اسم مصدر از ریشه «ح ی ی» به معنای زندگانی و در معنای مصدری به زنده شدن ترجمه می شود (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲: ۱۶۰). قوه ای که موجب نمو و رشد در موجود زنده اعم از نبات و حیوان که موجب حساسیت و تحریک پذیری موجود را ایجاب می کند (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۲۸). این کلمه در مورد خداوند که سرمنشأ حیات تمام موجودات است نیز استفاده می گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱: ۲۱۱؛ راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۲۶۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۲: ۳۹۳).

برزخ

برزخ از نظر لغوی به معنای حائل و فاصله میان دو چیز است و به هر آنچه که میان دو چیز یا دو مرحله قرار گیرد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱؛ راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۴۸)؛ واسطه بین دو چیز است (جوهری، ۱۴۲۶: ج ۱: ۴۱۹). در اصطلاح مفسران و متکلمان عمدتاً به معنای فاصله میان دنیا و آخرت به کار می رود. (طوسی، ۱۴۰۹: ج ۴: ۳۹۴)

1 - Martyr

2 - Martyrdom

مبانی نظری تحقیق

در جهان‌بینی اسلامی مرگ نابودی نیست، بلکه دریچه‌یی به سوی عالم بقا و جاودانگی است. انسان آفریده‌ی متشکل از جسم و روح است که تابع قوانین حاکم بر ماده و طبیعت است. جسم، حجم و وزن دارد از سرما و گرما متأثر و تدریجاً پیر و فرسوده می‌شود. اما روح مادی نیست بلکه صفات علم، احساس، تفکر، اراده و حالات روحی بدان تعلق دارد. در حقیقت اصل انسان را روح مجرد تشکیل می‌دهد و بدن تابع این حقیقت و فرع این اصل است. پس حقیقت انسان روح مجرد است که هرگز از بین نمی‌رود و نابود نمی‌شود، مرگ از نظر قرآن تحویل گرفتن تمام شخصیت توسط ماموران الهی و آغاز سفر نوینی به سوی مقصد نهایی است. «حقیقت این است که اینها ملاقات پروردگار خویش را منکرند، بگو همانا فرشته مرگ که موکل بر شماست، شما را در حین مرگ به تمام و کمال دریافت می‌کند. سپس به سوی خدا بازگردانده می‌شوید.» (سجده: ۱۰ و ۱۱) عالم پس از مرگ از نظر قرآن در دو مرحله طی می‌شود. یکی عالم برزخ مانند این دنیا پایان‌پذیر است و دوم عالم قیامت که ابدی است. از آیات دیگر نیز استفاده می‌شود که این حیات برزخی فقط به شهدا اختصاص ندارد، بلکه شامل تمام افراد صالح و مؤمنان مطیع نیز می‌شود: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء: ۶۹)

حیات انسان در قرآن

در قرآن کریم واژه حیات ۷۶ بار به کار رفته است. کلمه «حی» از اسماء حسنی و صفت مشبیه است این ماده در ضمن آیات قرآن به معانی از جمله: زنده: «وَتَخْرُجُ الْحَيَّ مِنْ الْمَيِّتِ» (آل عمران: ۲۷)؛ آفرینش اولیه: فأحياكم (بقره: ۲۸)؛ مؤمن هدایت یافته: «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا» (یس: ۷۰)؛ زندگانی جاویدان: «حَيَاةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ» (بقره: ۱۷۹)؛ زندگی بخشیدن: «وَمِنْ أَحْيَاهَا فَكُنَّا أَحْيَاءَ النَّاسِ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲)؛ و... بکاررفته است (داورپناه، ۱۳۶۶: ج ۳: ۲۶۳)

از منظر قرآن انسان دارای دو حیات است. حیات مادی و معنوی، حیات مادی، همان تعریفی است که زیست‌شناسان و فلاسفه ارائه نموده‌اند. ولی ادیان با ارائه نگرشی جدید به بیش آدمیان، نوع دیگری از حیات را ارائه نموده‌اند که به آن حیات معنوی می‌گویند. حیات معنوی انسان، همچون حیات مادی این مخلوق الهی، قابل انکار نیست. اصولاً یکی از معانی عمیقی که ادیان

آسمانی، پیش روی انسان مؤمن می‌نهد، عرصه‌هایی است که در نگاه مادی و این دنیائی، خبری از آن نیست و گرفتاران در زندان ظلمانی طبیعت درکی از آن ندارند و حیات معنوی از این قرار است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۰: ۵۲)

آیاتی که در آنها مفهوم حیات تبیین شده است «یا ایها الذین ءامنوا استجیوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم...» (انفال: ۲۴) که به دلیل مورد خطاب واقع شدن مؤمنان، حیات مورد نظر در آن حیات حیوانی نیست بلکه حیاتی است که مؤمنان در مراتب تکامل ایمان به آن دست می‌یابند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۷: ۱۲۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۹: ۴۴؛ رازی، ۱۴۱۱: ج ۱۵: ۴۷۲). همچنین در آیه «الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب» (رعد؛ ۲۹) به قرینه مقابله طوبی با مآب: سرای آخرت، حیات و زندگانی پاکتر و برتر دنیوی تعبیر شده است (حویزی، ۱۴۱۵: ج ۵: ۷۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۲۱۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱: ۳۵۶؛ رازی، ۱۴۱۱: ج ۱۹: ۴۱). آیه دیگری که افاده مفهوم حیات طیبه می‌نماید، آیه ۱۲۲ سوره انعام است: «و من کان میتاً فأحییناه و جعلنا له نوراً یمشی به فی الناس کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها کذلک زین للکافرین ما کانوا یعملون». مستفاد از این آیه آن است که انسانهای با علم و ایمان، دارای حیاتی فوق حیات سایر انسانها هستند، چون این گونه افراد چیزهایی را درک می‌کنند که درک آن در وسع دیگران نیست و آنچه را سایر انسانها قادر به اراده آن نیستند، اراده می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۵: ۴۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۷: ۴۶۶).

حیات برزخی در قرآن

در قرآن برزخ سه بار به کار رفته است. در دو آیه: «بینهما برزخٌ لا یبغیان» (الرحمن: ۲۰) و «.. و جعل بینهما برزخاً» (فرقان: ۵۳) به معنای «حاجب و حائلی» است که در دریا بین آب شیرین و شور قرار دارد و از مخلوط شدن آن دو جلوگیری می‌کند. اما در آیه «حتّٰی إذا جاء أحدهم الموت .. و من ورائهم برزخٌ ٰلی یوم یبعثون» (مؤمنون: ۱۰۰ - ۹۹) به معنای جهان غیب و به عنوان یکی از منازل و مراحل پس از مرگ به کار رفته است

«برزخ امری بین دو امر دیگر است و پاداش و مجازاتی بین دنیا و آخرت است. برخی از آیات قرآن نظیر؛ مؤمنون: ۱۰۱ - ۱۰۰؛ آل عمران: ۱۷۰ - ۱۶۹؛ یس: ۲۷ - ۲۶؛ مومن: ۱۱ و ۱۶؛ منافقون: ۱۰؛ نحل: ۳۲؛ به روشنی بیانگر وجود عالم برزخ و ویژگی‌های آن است، از جمله آیاتی که دلالت بر برزخ دارد: «و لا تحسبن .. بل أحياء عند ربهم یرزقون» (بقره: ۱۵۴)؛ «فرحین بما آتاهم الله من فضله

و یستبشرون بالذین...»، و آیات بسیاری دیگر به روشنی دلالت دارد بر اینکه بعد از زندگی دنیا و قبل از قیامت حیاتی هست بنام برزخ». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱: ۵۲۴)

حیات شهداء

«حیاء»، واژه‌ای چند بعدی است که بر نیروی رشد کننده در جانداران دلالت دارد، آیه ۲۲ سوره فاطر بر این معنا دلالت دارد: «مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ...»، «نه، زندگان و مردگان برابر نیستند... هم چنین حیات، معادل برطرف شدن اندوه و برخورداری از نعمت و رستگاری به ویژه درباره شهیدان کاربرد دارد: «وَلَا تَحْسَبَنَّ... أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹).

به همین جهت این معنا «حی» بودن شهدا را نیز شامل می‌شود. یعنی آنان نیرو و توانایی‌هایی دارند که اموات آن را ندارند. یا حداقل برخی اعمال که از توان اموات خارج است برای شهدا ممکن است. از معانی دیگر واژه «حی» شادی پس از رنج است. «فرحین بما آتاهم الله..» (آل عمران، ۱۷۰). شهدا از برخی مسائل آگاهی دارند در آیه‌ی مذکور، شهدا حتی کسانی که در آینده به آنها ملحق خواهد شد را می‌شناسند؛ گویی لیستی از اسامی و اشخاص به آنان داده شده که آنان را از همنشینان و دوستان بهشتی آگاه سازد و آنان به سبب این آگاهی خوشحالند. علامه در میزان آورده است: «کشته شدگان در راه خدا از وضع مؤمنین برجسته که هنوز در دنیا باقی مانده‌اند خبر دارند، و دوم اینکه منظور از این بشارت همان ثواب اعمال مؤمنین است که عبارت است از نداشتن خوف و نداشتن اندوه و این بشارت به ایشان دست نمی‌دهد مگر با مشاهده ثواب نامبرده در آن عالمی که هستند، نه اینکه خواسته باشند با موفق شدن به شهادت استدلال کنند بر اینکه در قیامت خوف و اندوهی نخواهند داشت، چون آیه در مقام این است که بفرماید پاداش خود را می‌گیرند نه اینکه بعد از شهادت تازه استدلال می‌کنند که در قیامت چنین و چنان خواهیم بود.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴: ۹۴)

برزخ در روایات

عمر بن یزید از حضرت امام صادق (علیه السلام) پرسید: برزخ چیست؟ حضرت فرمود: «القبر منذ حین موته إلى يوم القيامة» از هنگام مرگ، آدمی وارد برزخ می‌گردد؛ خواه او را در زمین دفن کنند یا وی را با آتش بسوزانند یا غذای درندگان شود یا در دریا غرق گردد (حویزی، ۱۴۱۵، ق ۳،

۵۵۴). بنا به فرمایش امام صادق (علیه السلام) برزخ و قبر یک چیز است. خداوند می فرماید: «وَمِنَ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» امام می فرماید: برزخ همان قبر (در اصطلاح قرآن) است: «البرزخ القبر و فيه الثواب و العقاب بين الدنيا و الآخرة»، (همان: ۵۵۳).

از ویژگی های حیات برزخی، ارتباط مردگان با دنیای مادی است. پس از مرگ رابطه انسان با دنیا به طور کلی قطع نمی شود و افراد باایمان و بی ایمان گاهی به دیدار اهل خویش می آیند در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «ان المؤمن لیزور اهله فیری ما یحب و یستر عنه ما یکره، و ان الکافر لیزور اهله فیری ما یکره و یستر عنه ما یحب» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳: ۳۳۰) ارتباط ارواح در عالم برزخ با عالم دنیا به قدری است که از آثار اعمال که در دنیا انجام داده اند و یا از کار خیری که دیگران به نیت آنان انجام می دهند بهره مند می گردند.

در روایاتی از امام صادق (علیه السلام) در تمثیل بدن برزخی آورده شده است که به اختصار می توان گفت: از الفاظی چون ... کقالبه فی الدنیا ...؛ با همان شکل و هیأتی که در دنیا داشته و یا ... کهبیئه الجساد فی الجنة؛ به صورت و هیأت جسد و یا ... کأبدان هم؛ مانند بدنهای دنیوی (همان: ۲۴۵-۲۴۴).

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق اسنادی و کتابخانه ای است که در آن به مطالعه منابع اسلامی، کتب و پژوهش های مرتبط پرداخته می شود. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از دیدگاه ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. با این منظور، درگام اول ۱۵ آیه از آیات قرآن در خصوص حیات و حیات برزخی به صورت هدف دار انتخاب و متناسب با دیدگاه علمای فریقین (شیعه و سنی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در گام دوم، دو آیه از آیات پیش گفته که ناظر به حیات شهداء و ... است با استفاده دیدگاه علمای اسلام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزارهای این تحقیق نرم افزارهای علوم اسلامی و مراجعه به کتب در این زمینه می باشد.

تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

تجزیه و تحلیل سؤال یکم تحقیق: منظور از حیات برزخی در قرآن چه نوع حیاتی است؟
تجزیه و تحلیل حیات برزخی با محوریت ۱۵ آیه از آیات قرآن و متناظر با دیدگاه اندیشمندان اسلامی به شرح زیر می باشد:

۱. «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» (بقره: ۱۵۴) علامه طباطبایی حیات مذکور در آیه را حیاتی حقیقی می‌داند که خداوند تنها مؤمنین را با آن احیاء می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱: ۲۲۵) علامه طبرسی هم قائل است که شهداء تا روز قیامت زنده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱: ۱۸۵) علمای اهل سنت این آیه را جهت «اثبات حیات پس از مرگ شهداء» تفسیر نموده‌اند. زمخشری با تمسک به روایتی، شهداء را نزد خداوند زنده می‌داند (زمخشری، ۱۹۹۸: ج ۱: ۲۰۵؛ نسفی، ۱۳۶۲: ج ۱: ۱۱۹)؛ طبری هم در مورد حیات شهداء می‌گوید خداوند می‌فرماید: به کسانی که در راه من، کشته می‌شوند، مرده نگویید بلکه آنان نزد من زنده هستند و در نعمت، رزق و کرامت من به سر می‌برند (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲: ۶۹۸). مطابق نظر علمای فریقین، این آیه حیات شهداء پس از مرگ (حیات برزخی) را اثبات می‌کند و به تبع در مورد سایر انسانها نیز قابل امکان است.
۲. «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (غافر: ۴۶)؛ مسأله عرضه آتش بر دوزخیان قبل از روز قیامت نشان می‌دهد، در عالمی قبل از عالم قیامت صورت می‌گیرد که در واقع همان عالم برزخ است، فاصله‌ای بین دنیا و آخرت است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۷: ۲۰۸).
۳. «لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمنون: ۱۰۰)؛ علامه طباطبایی مراد از برزخ در آیه را، عالم قبر یا همان عالم مثال می‌داند که مردم در آن عالم بعد از مرگ، زندگی می‌کنند تا قیامت فرا برسد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵، ۹۸). دلیل، این آیه را بر وجود عالم برزخ: الف. تقاضای بازگشت، دلالت بر وجود حیات و شعور متقاضی می‌کند که عمل گذشته را خراب کرده و عذاب در انتظار اوست و آن نیز در عالم برزخ است. ب. قید «إلى يوم يبعثون» نشانگر این است که برزخ عالمی است که تا روز برپایی قیامت، در انتظار آنان، در برابر ایشان و بر ایشان احاطه دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵: ۹۹). دانشمندان اهل سنت، در تفسیر این آیه بیان متفاوتی دارند. به عنوان نمونه فخررازی، برزخ را به معنای «حاجز» و «حائلی» می‌داند که تا روز قیامت نمی‌گذارد ایشان به دنیا برگردد (رازی، ۱۴۱۱: ج ۲۳: ۱۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ج ۵: ۴۲۸).

۴. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه: ۱۲۴)؛ هر که

از یاد من (خدا) روی برتابد زندگیش تنگ و روز قیامت نابینا محسوس می‌شود، که

معیشت ضنک را برخی بر برزخ تطبیق کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۴: ۲۲۴)

۵. در آیه «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ

وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ» (ابراهیم، ۲۷) و آیات بعد از آن و همچنین آیه شریفه «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ

قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ - بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (یس، ۲۶-۲۷)؛ به او

گفته شد داخل بهشت شو. گفت: ای کاش قبیله من از این نعمت بزرگ آگاه بودند که

خدا چگونه در حق من مغفرت فرمود و مرا مورد لطف و کرم خود قرار داد که بر

«بهشت برزخی» دلالت دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۴: ۲۲۴) با دقت در این آیه

درمی‌یابیم که این آرزو فقط با حیات برزخی سازگار است که قوم او هنوز در این دنیا

بودند و وی به جهان دیگر منتقل شده است و در این صورت است که آرزوی

حضور آنان و دیدن نعمت‌های الهی نسبت به وی، معنی می‌یابد؛ زیرا در عالم قیامت

همه انسان‌ها از اولین و آخرین جمع هستند و این درخواست و تمنا جایی ندارد.

۶. آیه‌ای که در مورد ارتزاق مهاجران فی سبیل الله پس از مرگ سخن می‌گوید و

می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ

لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (حج، ۵۸)؛ آنان که در راه رضای خدا از وطن خود هجرت کردند و در

این راه کشته شدند، یا مرگشان فرا رسید البته خدا رزق و روزی نیکویی نصیبشان

می‌گرداند. نیز دلیل بر زندگی در جهانی بعد از مرگ و قبل از برپایی قیامت دلالت می‌کند.

۷. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

يَحْزَنُونَ» (آل عمران: ۱۶۹ و ۱۷۰) در این آیه به نعمت‌ها و الطاف خداوند نسبت به

شهدا و خشنودی و شادمانی آنان از الطاف الهی و به زندگی به دور از اندوه آنان در

عالم پس از مرگ اشاره شده است.

۸. «قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا آتَيْنَاكَ آتَيْنَا فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ» (غافر: ۱۱)

روشن است که تصور دوبار مرگ و دوبار حیات بدون تصور وجود عالم برزخ

بی‌معناست. این دوبار مردن و دوبار زنده شدن بدین صورت است: مردن در دنیا، زنده

شدن در برزخ، مردن در برزخ و زنده شدن در قیامت. این آیات هر کدام به گونه‌ای از قرار گرفتن انسان پس از مرگ در عالمی دیگر حکایت می‌کند که در آنجا از نعمت و عذاب الهی برخوردار است و این نشان از حیات و زندگی در آن عالم دارد.

۹. «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَيَّ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ» (منافقون: ۱۰) این آیه به این نکته اشاره دارد که عالم برزخ، عالمی پس از مرگ و پیش از قیامت است که گنهکاران در آن درخواست بازگشت و جبران کاستی‌ها در دین می‌کنند اما به آنها پاسخ داده می‌شود که هیچ بازگشتی در کار نیست.

۱۰. «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ...» (زمر: ۴۲). افزون بر این در آیات متعددی از قرآن از مرگ، تعبیر به «توفی» (قبض و دریافت روح، نه مرگ) شده است. این تعبیر نیز بیانگر زنده بودن روح انسان پس از مرگ جسم اوست.

۱۱. «مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُعْرِفُوا فَأَدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا» (نوح: ۲۵) از این آیه استفاده می‌شود که قوم گنهکار نوح (علیه السلام) پس از غرق شدن، بلافاصله وارد آتش دوزخ شده‌اند و از آنجا که هنوز روز قیامت برپا نشده است مقصود از این دوزخ، همان دوزخ عالم برزخ است.

۱۲. «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل: ۳۲). با توجه به آیات دیگر که بهشت و جهنم را برای قیامت می‌داند و ورود به آن پس از برپایی قیامت محقق خواهد شد، می‌توان فهمید که بهشت یاد شده در آیه فوق بهشت برزخی است که انسان‌های پاک و نالوده به محض مردن به آن وارد می‌شوند و از نعمت‌های بی‌کران آن بهره می‌برند.

۱۳. «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا» (فرقان: ۵۳) برزخ چیزی است که میان دو شیء حائل شود. در اصطلاح به جهانی که میان دنیا و آخرت واقع می‌شود برزخ اطلاق می‌گردد.

۱۴. «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ» (الرحمن: ۲۰) میان آن دو حد فاصلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند. بیانگر فاصله میان دو دریاست.

تحلیل:

در قرآن مجید، تنها یک آیه به صورت مستقیم به عالم برزخ اشاره و به صراحت، فاصله ی میان دو دنیا را «برزخ» خوانده است: «...وَمِنَ وَّرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» و شیعه این آیه را نشانگر وجود حیات برزخی می‌داند (طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۷: ۳۹۴). برخی از مفسران اهل سنت، برزخ در این آیه را بر معنی لغوی که همان حاجز و مانع است، حمل کرده‌اند (رازی، ۱۴۱۱: ج ۲۳: ۱۲۲؛ بغوی، ۱۴۲۰ق: ج ۵، ۴۲۸). این درحالی است که آیه شریفه بیان می‌کند که مشرکان پس از مرگ تقاضا می‌کنند به دنیا بازگردند تا عمل صالح انجام دهند؛ اما تقاضایشان پذیرفته نمی‌شود. چنین تقاضایی نشانگر وجود حیات و شعور در آنان است. همچنین قید «...إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمنون: ۱۰۰) نشانگر این است که آنان تا روز قیامت در عالم برزخ قرار دارند و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند. آیات دیگر به عالم برزخ و توصیف وضعیت انسان‌ها در آن جهان، مانند حیات آن‌ها، عذاب یا پاداش برای آنان و پرسش و پاسخ از ایشان اشاره شده است. در مجموع آیات مربوط به عالم برزخ، می‌توان نتیجه گرفت که نه تنها میان دنیا و آخرت، عالم برزخ وجود دارد، بلکه برزخیان زندگی ویژه‌ای را که مخصوص به آن جهان است، تجربه می‌کنند و به احوال این جهان آگاهند. پیامبرگرمای اسلام (صلی اله علیه و آله) می‌فرماید: «الناس نیم اذا ماتوا انتبهوا؛ «مردم خوابند، هنگامی که مردند، بیدار می‌شوند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق: ج ۷، ۲۱)

آیات ۱۵۴ سوره بقره و ۱۶۹-۱۷۱ سوره آل عمران دلالت بر حیات برزخی شهدا دارند:

۱- علمای فریقین با دلالت به این آیه ۱۵۴ سوره بقره بر حیات برزخی شهدا داده‌اند. علامه طبرسی در تفسیر آیه‌ی یاد شده می‌گوید: آنان نمرده‌اند و تا روز رستاخیز زنده خواهند بود و این، سخن درستی است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱: ۴۳۳) علمای اهل سنت نیز بر این باورند که این آیه به صراحت بر حیات برزخی شهدا دلالت می‌کند (زمخشری، ۱۹۹۸: ج ۱: ۳۴۷؛ نسفی، ۱۳۶۲ش: ج ۱: ۱۴۳). ابن جریر طبری نیز در تفسیر این آیه می‌گوید: «به کسانی که در راه من کشته می‌شوند، مرده نگویید؛ بلکه آنان نزد من زنده‌اند و در نعمت، رزق و کرامت من به سر می‌برند». (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲: ۶۹۸)

۲- «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ... وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (آل عمران: ۱۶۹-۱۷۱) این آیات افزون بر این که حیات برزخی شهدا را یادآور می‌شود، رسماً به حالات و روحیات آنان در عالم برزخ اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که آنان به حال و هوای نیکانی

که هنوز به آنها در عالم برزخ ملحق نشده‌اند، آگاه و واقفند. البته نباید فراموش کرد که هر چند آیات یاد شده، حیات را برای شهیدان اثبات می‌کنند، اما مسلماً حیات برزخی تنها به شهیدان اختصاص ندارد؛ بلکه مقام پیامبران، اولیاء و ائمه (علیه السلام) از شهدا بالاتر است و بی تردید آنان نیز از حیات برزخی بهره مند و در نعمت های الهی غرقند.

در این آیه خداوند اوصافی برای شهیدان ذکر کرده است: حیات و روزی گرفتن آنان از خدا، حیاتی بهتر از حیات برزخیان و رزقی برتر از رزق مؤمنان، آنان به خاطر قربشان به حضرت حق و تبدیل شدن همه وجودشان به نور محبوب، حیاتی دارند که گوئی بوی مرگ هرگز از آن استشمام نمی‌شود و بهره‌مندی‌شان از عنایات حق با حیات مؤمنان قابل مقایسه نیست. (زمخشری، ۱۹۹۸: ج ۴: ۴۲۴).

تجزیه و تحلیل سؤال دوم تحقیق: منظور از حیات برزخی شهداء چه نوع حیاتی است؟

حیات حقیقی است یا جاودان ماندن نام شهداء در میان جامعه است؟

اگر انسان در مسیر عشق و رضای خداوند گام بردارد و به لحاظ فیزیکی کشته شود به گونه ای جاودانه می‌شود که مدام متنعم هم خواهد بود و البته در جایگاهی نزد خداوند مورد تکریم نیز قرار می‌گیرد و از طرف حضرت حق ماجور است (معرفت، ۱۳۸۷: ج ۴: ۲۵۳). گرچه مفهوم حیات شهداء همچون مفاهیم فراعقلی دیگر برای ما قابل درک نیست؛ ولی با کاوش در آیات و روایات و دقت در تفاوت‌های حیات برزخی شهدا با دیگر مردگان به مطالبی می‌توان دست یافت که منظور این زندگی چیست؟ آنها چگونه پس از کشته شدن وجدایی روح از بدن باز زنده‌اند؟ بعضی این زندگی را یک «حیات مجازی- معنوی» و مخصوص به شهداء دانسته و ورود به آن را خارج از اندیشه بشری دانسته‌اند. بعضی این زندگی را «حیات حقیقی» گفته‌اند.

حیات حقیقی شهداء

کسانی که در راه اعتلای کلمه الله شهید می‌شوند دارای کرامت قلبی و تزکیه روحی و طهارت نفسانی هستند بنابراین اینان را نباید مردگان خطاب کرد که مردن یعنی فنا و محو شدن از صفحه وجود بلکه اینان زنده هستند (معرفت، ۱۳۸۷: ج ۴: ۲۵۲). «حیات شهیدان، نزد خدا، واقعی است؛ و هر چه نزد خدا وجود دارد ثابت است، تمام آنچه به شهیدان می‌رسد از زوال مصون است و آنان به سبب بهره‌مندی از حیات و رزق عنداللهی، جاودانه متنعم‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۶:

(۲۸۸ - ۲۸۹)

زنده بودن نام و یاد شهداء

برخی از اندیشمندان، زنده بودن نام شهدا را همان حیات شهدا می‌دانند. چون بعد از شهادت هر شهیدی، مدت‌ها نامش در میان مردم باقی می‌ماند؛ کأنه خودش باقی است و این عبارت که شهید زنده است، تعبیر شاعرانه‌ای از بقای نام و یاد شهید است. هم چنان که درباره اشخاص محترم دیگری که از دنیا می‌روند، گاهی از ایشان با عبارت زنده یاد نام برده می‌شود و یا شخصیت‌های برجسته خوب یا بد هر جامعه ای که نام آنها در تاریخ ثبت شده است.

نقد و بررسی:

در خصوص حیات برزخی شهداء و جاودان ماندن نام شهداء در میان جامعه نظرات اندیشمندان به شرح زیر بیان شده است:

الف- علامه طباطبایی؛

علامه طباطبایی ضمن رد دیدگاه جاودان ماندن نام شهید در جامعه بعنوان حیات شهید دلایل زیر را اقامه می‌نماید؛

۱. «اگرچنین حیاتی پیدا شود تنها در وهم پیدا می‌شود نه در خارج، حیاتی است خیالی که بغیر از اسم، حقیقت دیگر ندارد و مثل چنین موضوع وهمی، لایق به کلام خدای تعالی نیست، خدایی که جز بحق دعوت نمی‌کند، و می‌فرماید: «فما ذا بعد الحق إلا الضلال» بعد از حق غیر از ضلالت چه می‌تواند باشد. (یونس: ۳۲) این سخن دل خوش کنند و باطل و وهم کاذب، با منطق مردمی مادی و طبیعی مسلک، جور در می‌آید، برای این که آنها نفوس را هم مادی می‌دانند و معتقدند وقتی انسان مرد بکلی باطل و نابود می‌شود و اعتقادی به زندگی آخرت ندارند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱: ۵۲۰) لذا مجبور شدند برای دلخوشی خود اوهام و خرافاتی کاذب را درست کنند، کسی نیست از ایشان پرسد: وقتی شخص فداکار کشته شد، ترکیب مادی بدنیش از هم پاشید و جمیع خواص زندگی که از آن جمله حیات و شعور است از دست داد، دیگر چه کسی هست که از زندگی شرف و علاء برخوردار گردد و چه کسی هست که این نام نیک را بشنود و از شنیدنش لذت ببرد؟ و آیا این حرف از خرافات نیست؟ (همان: ۵۲۱)

۲. جمله «و لکن لا تشعرون» با این دیدگاه مناسب ندارد، چون اگر منظور از جمله، نام نیک بود. جا داشت بفرماید: بلکه نام نیکشان زنده و باقی است و بعد از مردنشان مردم به خیر یادشان می‌کنند، چون مقام، مقام دلخوش کردن و تسلیت است. (همان)

۳. مراد از حیات بعد از شهادت، حیات حقیقی (در عالم برزخ) است که این زندگی یک زندگی خارجی و واقعی است نه ذهنی و فرضی.

۴. مراد حیات در آیه شریفه حیات حقیقی است نه صرف دل خوش کننده مخصوصا با در نظر گرفتن اینکه قرآن در چند جا زندگی کافر را بعد از مردنش هلاکت و بوار خوانده و از آن جمله فرموده: «وَأَحْلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ»، قوم خود را بدار هلاک وارد کردند (ابراهیم: ۲۸) و آیاتی دیگر نظیر آن، می‌فهمیم که منظور از حیات شهیدان، حیاتی سعیده است نه صرف حرف، حیاتی است که خداوند تنها مؤمنین را با آن احیاء می‌کند (همان: ۵۲۲)

۵. معنایی که از دو کلمه مرگ و حیات در ذهن هست بر مرگ آنان صادق نیست، چون مرگ آنان آن طور که حس ظاهر بین شما درک می‌کند به معنای بطلان نیست، بلکه مرگ آنان نوعی زندگی است، ولی حواس شما آن را درک نمی‌کند. (همان: ۵۲۳)

آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ...» (آل عمران: ۱۶۹) و آیات بسیاری دیگر دلالت دارد بر اینکه بعد از زندگی دنیا و قبل از قیامت حیاتی هست بنام برزخ. بنابراین، شهیدان زنده‌اند نزد خدا روزی می‌خورند و از نعمتهای الهی برخوردارند و به آنچه به آنها داده شده شادمان و خوشحال هستند و به دیگران که هنوز به آنها نپیوسته‌اند مژده می‌دهند (آل عمران: ۱۶۹ - ۱۷۰) و این حیات برزخی همان عالم قبر است، عالمی است متوسط میان مرگ و قیامت که در آن عالم، افراد یا متنعم هستند و یا معذب، تا آنکه قیامت، قیام کند. (همان: ۵۲۵)

ب - علامه مصباح یزدی؛

علامه ضمن نپذیرفتن دیدگاه جاودان ماندن نام شهید در جامعه بعنوان حیات شهید می‌نویسد؛

۱. «این مسئله اختصاص به شهید ندارد. بسیاری کسان دیگر هم از دنیا رفته‌اند، ولی نامشان هنوز بر سر زبانهاست. مگر رستم فراموش شده، با نام کوروش و داریوش زنده نیست؟ خداوند می‌فرماید: شهید زنده است؛ ولی شما حقیقت حیات شهید را درک نمی‌کنید. «ولکن لا تشعرون»؛ اگر منظور از زنده بودن شهید، باقی بودن نام و یاد او باشد، این مطلب برای همه قابل فهم است. مگر بناهای یادبودی برای زنده نگاه داشتن یاد شهدا ساخته نشده؟ مگر مراسم بزرگداشت برای

شهدا برگزار نمی‌شود؟ مگر بسیاری از کوچه‌ها و خیابانها مزین به نام شهدا نیست؟ پس زنده بودن شهید به این نیست که خیابانی به نام او باشد. در مکه خیابانی به نام ابولهب هست؛ همان کسی که قرآن در حق او نفرین می‌کند و می‌فرماید: «تبت یداً اَبی لَهَب و تبت!». اگر معنی زنده بودن نام شهید این باشد، پس ابولهب و بسیاری دیگر از کفار زنده هستند و زنده بودن نامشان برای همه قابل فهم است. اما قرآن حیات شهدا را از جمله حقایقی برشمرده که بشر درک نمی‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۰)

۲. ویژگی دوم که قرآن برای حیات شهدا قائل است این است که «عند ربهم یرزقون»؛ شهدا میهمان خدا هستند و در پیشگاه خدا از آنها پذیرایی می‌شود. پذیرایی از شهدا در پیشگاه خداوند مربوط به این بدن نیست. منظور از حیات، زندگی بدن مادی یا باقی ماندن نام و یاد شهید نیست؛ بلکه چیز دیگری است. (همان)

ج - اشکالات علامه جوادی آملی به این دیدگاه

علامه نسبت به این دیدگاه بیان می‌دارد: «این تصویری خطا و برداشتی باطل است؛ زیرا این‌گونه امور از وهمیات‌اند و نمی‌توانند مبنای صحیحی داشته باشند. ماتریالیست‌ها با تصور خوشنام‌شدن و مانند آن خود را دلگرم می‌کنند، در حالی که دل‌خوش کردن به عناوینی چون خوشنامی، شهرت به فداکاری و امثال اینها برای کسانی که مرگ را پایان زندگی می‌دانند و به برزخ و معاد و زندگی پس از مرگ اعتقادی ندارند، نمی‌تواند مبنای معقولی داشته باشد زیرا همان‌گونه که او با مرگ نابود شده است، کسانی که خاطرات او را به یاد دارند نیز با مرگ از بین می‌روند. گذشته از آن‌که برای معدوم، زنده بادگفتن اثری ندارد؛ زیرا وی نه مسرور می‌شود و نه متاثر» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۶: ۲۸۷ - ۲۸۸)

تجزیه و تحلیل سؤال سوم تحقیق: آیا منظور از حیات برزخی شهید، حیات جسمانی و مادی است؟ یا حیات ارواح در عالم پس از مرگ است؟

حیات و زندگی برزخی

در اسلام، انسان آفریده‌ی متشکل از جسم و روح است که تابع قوانین حاکم بر ماده و طبیعت است. جسم متأثر از سرما و گرما و تدریجاً پیر و فرسوده می‌شود. اما روح فاقد خواص ماده است. بلکه صفات علم، احساس، تفکر، اراده و حالات روحی بدان تعلق دارد. در حقیقت اصل انسان را روح مجرد تشکیل می‌دهد و بدن تابع این حقیقت و فرع این اصل است. اصالت روح بر اثر مرگ

و ظهور قیامت آشکارتر خواهد شد، حقیقت انسان روح مجرد است که هرگز از بین نمی‌رود و نابود نمی‌شود: «یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه» (فجر: ۲۷-۲۸)

مفهوم زنده بودن شهدا پس از شهادت را می‌توان با استفاده آیات و روایات تا حدودی دریافت. گرچه همچون مفاهیم فراعقلی دیگر، نوع حیات آنان برای ما قابل درک نیست؛ ولیکن با دقت در معانی لغوی و استفاده‌ی لغت در آیات و همچنین با دقت در تفاوت‌های حیات برزخی شهدا با دیگر مردگان از طریق روایات به مطالبی دست یافت.

در تفسیر آیات ۱۶۹-۱۷۱ سوره آل عمران ابن مسعود از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل می‌کند که خداوند به ارواح شهیدان احد خطاب کرد و از آنها پرسید: چه آرزویی دارید؟ آنها گفتند: پروردگارا! ما بالاتر از این چه آرزویی می‌توانیم داشته باشیم که غرق نعمتهای جاویدان توایم و در سایه عرش تو مسکن داریم، تنها تقاضای ما این است که بار دیگر به جهان برگردیم و مجدداً در راه تو شهید شویم، خداوند فرمود: فرمان تخلف ناپذیر من این است که کسی دوباره به دنیا بازنگردد، (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۹۶)

منظور از حیات در این آیات همان حیات برزخی است که ارواح در عالم پس از مرگ دارند، (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱، ۴۰۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ۱۷۰) نه حیات جسمانی و مادی، اگرچه زندگی برزخی، اختصاصی به شهیدان ندارد، بسیاری دیگر از مردم نیز دارای حیات برزخی هستند. ولی از آنجاکه حیات شهیدان یک حیات فوق العاده عالی و آمیخته با انواع نعمت‌های معنوی است. آنها بقدری غرق مواهب حیات معنوی هستند که گویا زندگی سایر برزخیان در مقابل آنها چیزی نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ۱۷۰)

زنده بودن شهید بدین معنا نیست که صرفاً او پس از مرگ در برزخ حیات دارد و یا آن‌که تنها او در قیامت زنده می‌شود؛ زیرا همگان دارای حیات برزخی و حیات قیامت‌اند، بلکه معنایش زندگی ویژه برزخی است که شهیدان هم اکنون از آن برخوردارند؛ یعنی از لحاظ درجه برتر از سایر مؤمنان‌اند که حیات برزخی داشته و در برزخ که روضه‌ای از ریاض بهشت است متنعماًند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۲۸۷ - ۲۸۸) همه انسان‌ها پس از مرگ زنده‌اند و هیچ کس مرگ به معنای زوال و فنا و نابودی ندارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۳۳) و وضع آنان از دو حال بیرون نیست: یا در گودالی از گودالهای آتش به سر می‌برند یا در باغی از باغهای بهشت، (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸: ۳۱۹-۳۱۸) ممکن است مراد به حیات در خصوص شهدا این باشد که تنها

این طایفه حیات برزخی دارند و این معنا را بسیار از معتقدین به معاد جاهلند، هر چند هم بسیار از آن آگاه باشند و سخن کوتاه اینکه مراد به حیات در آیه‌ی شریفه، حیات حقیقی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲: ۲۵۴).

حیات شهداء (مادی جسمانی)

عده‌ای از مفسران معتقدند که مقصود از حیات در آیات مورد بحث، زنده بودن جسم مادی شهید است. آنان برای اثبات این قول به سیاق آیه ۱۶۹ سوره آل عمران و وقایع تاریخی رجوع کرده‌اند و در این باره به دو گروه تقسیم شده‌اند: بعضی از آنان می‌گویند خدای متعال اجساد این شهدا را به آسمان‌ها و قنادیل زیر عرش خود بالا می‌برد و در آنجا انواع سعادت‌ها و کرامت‌ها را به آنها عطا می‌کند. برخی دیگر معتقدند خدا اجساد آنان را در زمین باقی می‌گذارد و در همان قبر زنده می‌کند و آنها را به نعمت و سعادت می‌رساند. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۱: ۱۳۷-۱۳۶؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ج ۲: ۳۰۸؛ اطیب، ۱۳۷۸: ج ۳: ۴۲۵؛ رازی، ۱۴۱۱: ج ۹: ۴۲۸؛ رشید رضا، بی‌تا: ج ۴: ۱۹۲) این صاحب‌نظران برای اثبات نظر خویش، دلیلی به شرح زیر برگزیده‌اند:

گروه نخست که سیاق آیه را دال بر حیات جسم مادی می‌دانند در این باره بیان داشته‌اند که جسم مادی شهدا زنده است و اگر احیاناً در قبور، اجساد طاهره ایشان یافت نشود به دلیل حکم الهی مبنی بر نقل ابدان ایشان به ملکوت اعلا بوده است. مؤید این مطلب عبارت «أحیاء عند ربهم» می‌دانند. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۱: ۱۳۷-۱۳۶)

گروه دوم؛ یعنی معتقدان به زنده بودن جسم مادی شهید در قبر جهت اثبات قول خود در این باره به وقایع تاریخی که بیانگر مشاهده آثار حیات دنیوی از شهدا است مثل سر مطهر امام حسین (علیهم السلام) و ابدان مطهر شهدای کربلا مثل بدن حراً و ابدان شهدای احد و ابدان جمعی از علماء مثل شیخ صدوق و غیره استناد نموده‌اند. (اطیب، ۱۳۷۸: ج ۳: ۴۲۵) در رابطه با حیات مادی ابدان شهدای احد مفسران به نقل روایاتی از عبدالرحمن بن عبداللّه بن الرّحمن بن ابی صعصعه استناد جسته‌اند که: عمرو بن جموح و عبداللّه بن عمرو بن حازم از جمله کشته‌شدگان احد بودند، هر دو آنها را در یک قبر دفن کرده بودند. وقتی سیلی عظیم آمد قبر آن دو ویران شد و ظاهر شدند. گویا آن دو را همان ساعت در خاک دفن کرده باشند در حالی که

میان واقعه احد تا زمان وقوع سیل ۴۶ سال فاصله بود. (رازی، ۱۴۱۱: ج ۵: ۱۵۲؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۱۶: ج ۳: ۲۰۴)

نقد این دیدگاه

غیر قابل قبول بودن حیات مادی شهداء از چند جهت مورد بررسی است:

(الف) برخوردار بودن شهدا از حیات مادی برای همه آنان عمومیت ندارد چه بسا مشاهده شده است که اجساد بسیاری از شهدا با سپری شدن زمان پوسیده شده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۳: ۲۸۳؛ رازی، ۱۴۱۱: ج ۹: ۴۲۶؛ رشیدرضا، بی تا: ج ۴: ۱۹۲)

(ب) تفسیر حیات شهدا به حیات مادی مخالف با روح کلی آیات و روایاتی است که در آنها به متلاشی شدن جسم بعد از مرگ اشاره دارد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۳: ۲۸۳)

(ج) عبارت «عند ربهم» در آیه دلالت دارد بر اینکه حیات شهدا حیاتی مخصوص ایشان است و از نوع حیات متعارف در این عالم نیست؛ یعنی از نوع حیات جسم و جریان خون در رگها و ضربان قلب نیست؛ زیرا مقام حضور و عندیّت پروردگار از هرگونه ماده و لوازم آن پیراسته و مبراً است. (همان)

با توجه به دلایل فوق روشن می شود که مقصود از حیات شهدا حیات مادی جسمانی نیست و اگر در طول تاریخ اجساد یافت شده اند که با گذشت زمان سالم مانده اند این موارد از استثنائات است و در موارد کلی نمی توانند ملاک عمل قرار گیرند.

حیات روح در عالم غیب یا ملکوت

بسیاری از مفسران حیات حقیقی شهدا را مربوط به حیات روح در عالم غیب و زندگی ملکوتی در عالم دیگر می دانند (فضل الله، ۱۴۱۹: ج ۳: ۱۱۰؛ رشیدرضا، بی تا: ج ۴: ۳۱؛ طبری، بی تا: ج ۲: ۲۴).

مفسران جهت اثبات این نوع حیات برای شهدا به روایات متعددی استناد می کنند که معروفترین آنها عبارت است از این روایت که شیخ طوسی در تهذیب از یونس بن ظبیان نقل می کند که می گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) بودیم. حضرت فرمود: مردم در مورد ارواح مؤمنان چه گویند؟ عرض کردم: گویند در حواصل پرندگان سبز در قنادیل زیر عرش باشند. فرمود: سبحان الله، مؤمن بزرگوارتر باشد از آنکه حق تعالی روح او را در حوصله مرغ سبز قرار

دهد. ای یونس، چون خدا قبض روح مؤمن نماید، آن را در قالبی مثل بدن دنیایی نقل کند، پس در بهشت می‌خورند و می‌آشامند و چون آینده‌ای از دنیا نزد آنها آید، او را بشناسند به همین صورتی که در دنیا بوده باشد. (حویزی، ۱۴۱۵: ج ۱: ۴۰۹)

معتقدان به این حیات با توجه به سیاق آیه ۱۵۴ سوره بقره بیان داشته‌اند که عبارت «و لکن لا تشعرون» به خوبی بر این امر دلالت دارد که حقیقت و کنه این حیات را جز خدای متعال که علام الغیوب است کسی نمی‌داند، بنابراین حیات شهدا یک حیات غیبی است که به واسطه آن «مقتول فی سبیل الله» از عالم شهادت به عالم غیب منتقل می‌شود و در آنجا زندگی خوشی را آغاز می‌کند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۳: ۱۱۰؛ رشیدرضا، بی‌تا: ج ۴: ۳۱)

حیات روح در عالم برزخ

اگر هویت انسان را روحانی بدانیم و یکی از وجوه وجودی انسان را روح و یا به تعبیر فلسفی، نفس بیان‌گیریم، در این صورت؛ روح انسان دچار مرگ و نابودی نخواهد گردید. ولی اگر او را مادی و جسمانی محض بدانیم موجودی فناپذیر خواهد بود! (طوسی، ۱۴۰۹: ج ۲: ۲۱۵)

روح در عالم برزخ در قالب مثالی است اگر کسی بگوید ما می‌بینیم که اجساد شهدا روی زمین افتاده و در آن آثاری از حیات ابداً دیده نمی‌شود به این وصف چگونه گفته شده است که شهدا پس از مرگ زنده هستند؟ جواب این سؤال این است که طبق مذهب علماء امامیه خداوند برای ارواح آنها پس از مرگ «قالب‌هایی» مانند قالب دنیوی قرار می‌دهد که با آن در «عالم برزخ» متنعم هستند هر چند بدن دنیوی آنها در زیر خاک مدفون شده باشد. بنابراین قول ثواب و عذاب در آن عالم به انسان می‌رسد زیرا انسانیت انسان وابسته به روح است نه به جثه‌ای که در زیر خاک مدفون است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲: ۱۲۵)

ویژه بودن حیات برزخی شهدا

۱- کمال قرب به پروردگار و روزی خوردن نزد پروردگار

از آنجاکه در آیه ۱۶۹ سوره آل‌عمران پس از واژه «احیاء» عبارت «عند ربهم یرزقون» ذکر گردیده است برخی از مفسران معتقدند که این عبارت تفسیرکننده واژه احیاء است. لذا برآند که

مقصود از حیات برزخی یادشده، کمال قرب به حق تعالی، بهجت و کرامت و ارتزاق آنها نزد خدای سبحان است. (حسینی، ۱۳۶۳: ۲۹۳)

۲- استمرار رشد معنوی شهدا

یکی از معانی حیات عبارت است از نیروی رشد دهنده و نمو دهنده. شاهد این مطلب آیات ۴ و ۵ سوره محمد است که خدای سبحان در آن آیات از اصلاح و رشد معنوی و قلبی شهیدان در عالم برزخ سخن به میان می‌آورد: «وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ * سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِالْهَمِّ»؛ آیات مذکور بیانگر آن است که شهیدان، در عالم برزخ، پس از شهادت از هدایت‌های خاص الهی برخوردار می‌شوند و قلب و بال ایشان اصلاح می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰: ۱۴۵) که لازمه این اصلاح ادامه دادن شهیدان به رشد و تکامل معنوی خود در عالم برزخ است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۸: ۲۲۶)

۳- علم و آگاهی

گروه دیگری از مفسران حیات برزخی شهدا را عبارت از علم و آگاهی آنان دانسته و معتقدند حیات به معنای فهمیدن و حرکت عالمانه (و برخاسته از شعور) است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۷: ۲۸۹) و شهید چون با هوش از این دنیا به نشئه دیگر می‌رود، به امور دنیا آگاه است؛ فرح و استبشار یادشده در آیه ۱۷۰ سوره آل‌عمران نیز بر این امر دلالت دارد «فرحین بما آتاهم الله من فضله...»؛ زیرا هم فرح و هم استبشار هر دو توأم با ادراکند اما باید توجه داشت که ادراک شهید از نوع ادراکات حضوری است نه حصولی. از این رو چون شهیدان تمامی آثار زنده‌بودن، از جمله ادراک آمیخته با کار و کار همراه معرفت را دارند خدای سبحان انتقال شهیدان از این عالم به نشئه دیگر را حیات طیب می‌داند. در واقع انسانی که بی‌هوش می‌شود و می‌میرد، از مبدأ حرکت خود آگاه نیست، در حالی که شهید با هوش و با آثار عملی که برکت خون او است، از دنیا می‌رود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۶: ۲۷۹) در حقیقت خدای متعال به روان‌های ایشان معرفتی در عالم برزخ عطا فرموده است و به وسیله آن معرفت در نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند و از بدن‌های خود دورند و از آن آزاد شده‌اند، اما مردگان چنانند که از ارواح ایشان علم و آگاهی سلب شده و در زندان جهل و نادانی زندانی شده‌اند. (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۱: ۷۰۰)

۴- قدرت تأثیرگذاری مادی و معنوی

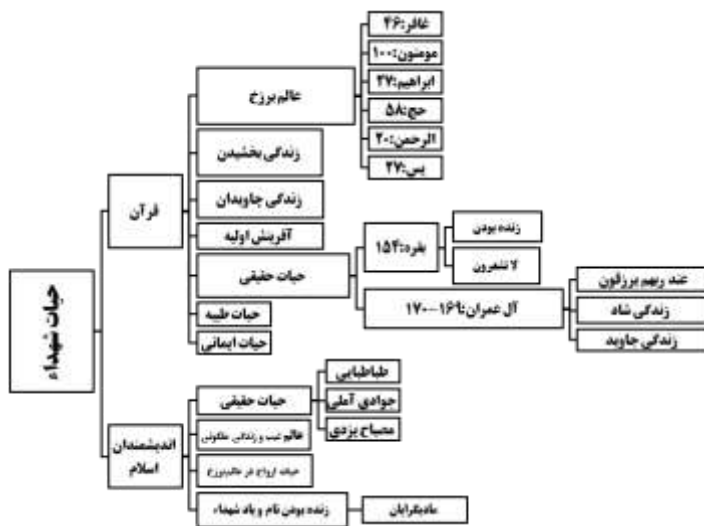
برخی دیگر معتقدند اگر شهید را زنده می‌خوانند به آن جهت است که وی پس از مرگ نیز دارای قدرت اثرگذاری؛ چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ معنوی است. آنان از زندگی امت مسلمان جدا نمی‌شوند و موثر و تحت تاثیر این اجتماع هستند؛ زیرا تأثیر و تأثر از مهم‌ترین ویژگی‌های حیات است اما غیر آنان پس از مرگ فاقد قدرت تأثیرگذاری و امتداد هستند. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱: ۵۱۷)

۵- احاطه نامحدود شهدا بر عوالم

برخی از مفسران معتقدند که مقصود از این حیات، احاطه نامحدود آنان بر عوالم است که سایر اهل ایمان از آن بی‌بهره‌اند. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲: ۳۹) عبارت «عند ربهم یرزقون» در آیه دلالت دارد که بندگان مخلص خدا قبل از پیدایش طلیعه قیامت در همه جا حاضر بوده و بر همه احوال مطلع بوده‌اند. (حسینی طهرانی، ۱۴۳۳: ۲: ۲۱۶) علامه مجلسی در این باره می‌نویسد: هر کس جانش را در راه خدا ببخشد، خدا حیاتی به او می‌بخشد که به واسطه آن بتواند در عوالم ملک و ملکوت تصرف کند و لذا خدای متعال می‌فرماید: «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند». (مجلسی،

۱۴۰۳: ۱: ۷۸: ۷۰)

جدول ۱: مدل مفهومی حیات شهداء



نتیجه گیری

آنچه از آیات قرآن و روایات معتبر فریقین به دست می‌آید این است که جهان پس از مرگ که در دو مرحله برزخ و قیامت صورت می‌گیرد وقوعش حتمی و قطعی است و مسأله حیات برزخی همه بر ثبوت و وقوع آن اعتقاد جازم دارند، که نه تنها میان دنیا و آخرت، وجود دارد، بلکه برزخیان زندگی ویژه‌ای را که مخصوص به آن جهان است، تجربه می‌کنند و به احوال این جهان آگاهند. تنها در این مورد، علمای وهابیت دیدگاهی خاص دارند و حیات برزخ را منحصر به سؤال نکیر و منکر می‌دانند. و هر انسانی پس از عبور از دنیا و ورود به عرصه دنیای دیگر بنابر عدالت و حکمت حق، به پاداش اعمالش چه خوب و چه بد خواهد رسید.

اندیشمندانی چون نیشابوری، مدرسی، فضل‌الله و رازی که معتقد به مجازی بودن حیات شهداء و زنده و جاودانه بودن نام نیکوی آنان در میان مردم هستند، که این دیدگاه از سوی اندیشمندانی چون علامه طباطبایی و جوادی آملی رد و حیات برزخی شهداء را واقعی می‌دانند و معتقدند؛ زنده بودن شهید به این معنا نیست که او جان خود را در راه میهن، جامعه و سرافرازی هموعان خود فدا کرده است و چون یادش در خاطره‌ها زنده است، همین معنای اعتباری برای وی حیات شمرده می‌شود. این تصویری خطا و برداشتی باطل است. بلکه مقصود از

حیات حیات حقیقی این است که؛ شهیدان نزد خدا زنده‌اند و روحشان از نعمت‌هایی که خداوند روزی آنان کرده بهره‌مند می‌شوند، و آرامش و سروری به آنان دست می‌دهد.

برخی همچون لاهیجی و مکارم شیرازی منظور از حیات و زندگی شهدا را، حیات و زندگی برزخی که ارواح در عالم پس از مرگ دارند برگزیده‌اند، نه زندگی جسمانی و مادی، اگرچه زندگی برزخی، تنها اختصاص به شهیدان ندارد، ولی از آنجاکه حیات شهیدان یک حیات فوق‌العاده عالی و آمیخته با انواع نعمت‌های معنوی است. نزد خدا، واقعی است؛ و هرچه نزد خدا وجود دارد ثابت است، تمام آنچه به شهیدان می‌رسد از زوال مصون است و آنان به سبب بهره‌مندی از حیات و رزق عنداللهی، جاودانه منتعم‌اند. بنابراین حیات شهید پس از مرگ یک حیات واقعی است و این حیات فردی از شهید، غیر از حیات اجتماعی اوست و به این حقیقت با جمله «احیاء»، تصریح شده است. این حیات توأم با رزق و روزی است «عند ربهم یرزقون» و با فرح و شادی همراه است «فرحین بما انا هم الله من فضله» و ارتباط شهید با جهان ماده قطع نمی‌شود و از آنچه در این جهان می‌گذرد آگاه است حتی از وضع‌آنهایی که هنوز در معرکه جنگ می‌رزمند نیز مطلع می‌باشد و به آنان پیام می‌فرستند و می‌گویند که ترس و غمی بر آنان نیست.

پیشنهاد:

این پژوهش به تبیین حیات شهداء در عالم برزخ از منظر آیات و روایات پرداخته است. پیشنهاد می‌گردد محققان در پژوهش‌های آتی؛ «جایگاه شهید زنده در اسلام و برداشت جامعه اسلامی نسبت به آن» از منظر آیات و روایات و همچنین امامین انقلاب بررسی نمایند.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: اسوه.
- نهج البلاغه (۱۳۸۰). (ترجمه محمد دشتی)، چ دوم، مشهد: نشر سنبله.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ه). معجم مقاییس اللغه، مصحح: عبدالسلام محمد هارون؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق: ۱۹۹۴م). لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). التحرير و التویر، بیروت: موسسه التاریخ العربی.
- اطیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، دوم.
- انور حاجی شمسایی (۱۳۹۱). حیات شهید با تاکید بر قرآن و سنت، پایان نامه ارشد، حوزه علمیه خراسان، واحد: مدرسه علمیه نرجس (س) سبزوار.
- بغوی، ابومحمد (۱۴۲۰ق). تفسیر بغوی (معالم التنزیل) به کوشش عبدالرزاق، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تسنیم، ج ۱۶، قم: انتشارات اسراء، دوم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۲۶ق). معجم الصحاح. بیروت: نشر دارالمعرفه.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۳۳). تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴ق: ۱۹۹۴م). انوار درخشان، تهران: کتاب فروشی لطفی، اول.
- حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۲۳ق). معادشناسی، مشهد، علامه طباطبایی.
- حویزی، عروسی عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین محقق / مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، چهارم.
- داورپناه، ابوالفضل (۱۳۳۶). انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر صدر.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۱۱ق). التفسیر الکبیر: مفاتیح الغیب، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق: ۱۹۹۲م). مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالعلم الدار الثقافیه، اول.
- رشیدرضا، محمد (بی تا). المنار فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمرو (۱۹۹۸). اساس البلاغه، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳). تفسیر شریف لاهیجی، تهران: نشر داد، چاپ اول.
- طاووسی، حسن و عین الکمالی، فاطمه (۱۳۹۵). «شهید و شهادت از منظر قرآن» اولین کفرانس ملی از ایثار تا شهادت. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). التیان فی تفسیر القرآن، به کوشش احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت: دار
إحیاء التراث العربی.

فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک، چاپ دوم.

فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۷ق). المحجّه البیضاء ناشر: جماعه المدرسین بقم، قم: موسسه النشر
الاسلامی، چاپ چهارم.

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المئیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: دار الهجرة.

سید قطب، بن قطب بن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن؛ بیروت و قاهره: دارالشروق، چاپ هفدهم.

قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ یازدهم.

کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ ق - ۱۹۸۳ م) بحارالنوار، بیروت: موسسه الوفاء داراحیاء التراث العربی، سوم،

مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دارمحبالحسین.

مصطفوی، حسن (۱۳۳۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران: صدرا.

مظفری، مونس (۱۳۷۹). سیمای شهید در قرآن و حدیث، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران.

معرفت، محمد هادی (۱۳۸۷ش). التفسیر الّثری الجامع، قم: التمهید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامی.

موسایی سی سخت، میثم (۱۳۷۲). شهید و شهادت در قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی.

نہا، خضر محمد (۲۰۰۹م). موسوعه تفاسیر المعتزله، بیروت: دار الکتب العلمیة.

نسفی، ابوحفص عمر بن محمد (۱۳۶۲). تفسیر نسفی، به کوشش عزیزالله جونئی، تهران: بنیاد قرآن، دوم.

نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیة.